



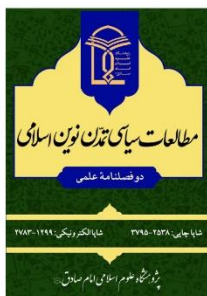
Imam Sadegh Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2796-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://sjs.isri.ac.ir>

Volume : 4 ; Number : 8



The Mixture and Combination of Propelled Of Political Development in the Multi-Ethnic Areas of Iran as a Foundation of the New Islamic Civilization

Mohammad Razavi Garegeshlag* Mojtaba Maghsoudi** Ehsan Shakeri Khoei***

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.484280.1146>

Received: 2024/10/18 - Accepted: 2024/11/28

Type of Article: Research

(93-119)

Abstract

Ethnic diversity and the way the state interacts with cultural plurality have long been central issues in Iranian society. This study aims to identify the drivers of political development in Iran's multi-ethnic regions as a foundation for a new Islamic civilization using a meta-synthesis approach. A search in the Semantic Scholar database using the keywords "political development," "ethnic development," and "ethnicity" revealed 356 valid studies published in reputable academic journals. According to the PRISMA protocol, 66 scientific articles were selected for meta-synthesis, analyzed using MAXQDA 12 software. The findings from the foundational studies were based on political, economic, social, cultural, historical, and geographical components. Accordingly, the drivers of political development in Iran's multi-ethnic regions included nineteen dimensions and 48 indicators. Additionally, the political development drivers for building a new Islamic civilization, as conceptualized by the Supreme Leader, encompassed thirteen dimensions and 25 indicators. By examining these indicators across various components, the meta-synthesis identified "tolerance, justice, and political convergence with an emphasis on Iranian Islamic identity" as the drivers of political development in Iran's multi-ethnic regions, with its operational role expressed as "enhancing political insight and optimal Islamic governance while respecting the principle of unity in diversity".

Keywords: Political Development, Multi-Ethnic Societies, New Islamic Civilization, Metasynthesis.

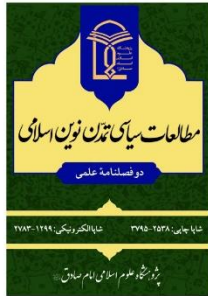
*. PhD student in Political Science, Political Sociology major, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, garageshlog@gmail.com.

** . Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author), maghsoudi42@yahoo.com.

***. Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Science, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, shakeri_ah@yahoo.com.



پژوهشگاه علوم اسلامی صادق
پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دینی
P.ISSN: 3795-2538 & E.ISSN: 2783-1299
http://sjs.isri.ac.ir
سال چهارم، شماره هشتم



فرا ترکیب پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چند قومی ایران بستر ساز تمدن نوین اسلامی

محمد رضوی قره قشلاق*، مجتبی مقصودی**، احسان شاکری خونی***

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.484280.1146>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

نوع مقاله: پژوهشی
(۹۳-۱۱۹)

چکیده

گوناگونی قومی و نحوه تعامل نهاد دولت با تکثر فرهنگی از دیرباز یکی از مسائل اصلی جامعه ایرانی بوده است. در پژوهش پیش‌رو، کوشش بر این است تا با روش فرا ترکیب به شناسایی پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چند قومی ایران به منزله بستر ساز تمدن نوین اسلامی پرداخته شود. با جست‌وجو در پایگاه semantic scholar با کلیدواژه‌های «توسعه سیاسی»، «توسعه قومی» و «قومیت» روشن شد که تعداد ۳۵۶ مطالعه معتبر منتشر شده در مجله‌های علمی کشور وجود دارد. بر اساس پروتکل Prisma، تعداد ۶۶ مقاله علمی برای انجام فرا ترکیب با استفاده از نرم افزار maxqda12 در سید تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های به دست آمده از مطالعات مبنا مبتنی بر مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی بود. بر این اساس، پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چند قومی ایران شامل نوزده بُعد و ۴۸ شاخص بود. همچنین پیشران‌های توسعه سیاسی برای ساخت تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری شامل سیزده بُعد و ۲۵ شاخص بودند. با بررسی این شاخص‌ها در مؤلفه‌های گوناگون، فرا ترکیب «مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی» به عنوان پیشران توسعه سیاسی در مناطق چند قومی ایران مطرح شد که کاربده آن در «بصیرت‌افزایی سیاسی و حکمرانی مطلوب اسلامی با احترام به اصل وحدت در کثرت» است.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، جوامع چند قومی، تمدن نوین اسلامی، فرا ترکیب

- * دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، garageshlog@gmail.com
- ** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، maghsoodi42@yahoo.com
- *** استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، shakeri_eh@yahoo.com

مقدمه

انسان‌ها همواره در پی پیشرفت، ترقی، تکامل و توانمندسازی خود بوده‌اند و این روند در دوره‌های تاریخی گوناگون، شکل‌ها و شیوه‌های ویژه‌ای به خود دیده و با عنوان‌های متنوعی نامیده، سنجیده و بازاندیشی شده است. زایش و گسترش مفهوم توسعه نیز در همین بستر بوده ولی اطلاق آن بیشتر به پیشرفت جوامع اروپایی بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی برمی‌گردد. با این حال، مفهوم توسعه پس از پایان جنگ جهانی دوم به‌عنوان اصطلاحی فراگیر به کار برده شد و از دهه ۱۹۶۰ میلادی نیز مفهوم توسعه سیاسی وارد ادبیات سیاسی جهان شد.

در دنیای کنونی نیز همه نظام‌های سیاسی خواهان تکامل سیاسی خود هستند. یکی از هنرهای توسعه سیاسی در گردش نوین مفهومی خود این‌گونه بوده است که با احترام به ساختار متنوع قومی در جامعه‌های گوناگون، شاخص‌های هم‌زیستی، مشارکت و رقابت سیاسی را ارتقا دهد. واقعیت این است که امروزه دولت‌های دموکراتیک دیگر به تفاوت‌های قومی به‌عنوان تهدیدی برای وحدت ملی نمی‌اندیشند. بنابراین مانند کشورهای متمرکز و مستبد، عمل نمی‌کنند و هیچ وسواسی هم برای ادغام ندارند. این دولت‌ها به جنبش‌های قومی اجازه رشد می‌دهند و برخی دولت‌ها حتی به گروه‌هایی با اهداف جدایی طلبانه نیز اجازه فعالیت می‌دهند (Tanasaldy, 2012:26).

آشکار است که امروزه، هم در بستر تمدن نوین اسلامی و هم در بستر توسعه سیاسی در جوامع چندپاره و چندقومی، توجه به اقوام و خرده‌فرهنگ‌های موجود در هر سرزمین، امری بسیار لازم و ضروری است. واقعیت این است که مخالفان انقلاب اسلامی ایران از آغاز پیروزی آن، می‌کوشیده‌اند تا گوناگونی قومی و مذهبی را همچون ابزاری برای اختلاف‌افکنی به کار گیرند. ولی در نزدیک به پنج دهه از حیات جمهوری اسلامی ایران، رویکرد فرصت‌محور جمهوری اسلامی به اقوام ایرانی با توجه به مشترکات تاریخی و دینی، زمینه‌های مشارکت اقوام گوناگون را در دفاع و سازندگی کشور فراهم آورده است. در این رویکرد، با احترام به همه قوم‌ها و فرهنگ‌ها در بستر قانون اساسی و حقوق شهروندی کوشش بر این است تا گامی به‌سوی تحقق تمدن نوین اسلامی برداشته شود.

جمهوری اسلامی ایران از نظر برخورداری از تاریخ و تمدن باشکوه، جهان‌بینی توحیدی مبتنی بر اسلام، موقعیت ویژه جغرافیایی و گوناگونی فرهنگی و اجتماعی و همچنین وجود گروه‌های قومی متنوع، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. وجود چنین تنوعی ازسویی موجب پویایی و غنای فرهنگی و اجتماعی ایران اسلامی شده و ازسوی دیگر ظرفیت و بستر مناسبی را برای الگوسازی در تمدن نوین اسلامی فراهم آورده است. تقویت بسترسازی و الگوسازی برای تمدن نوین اسلامی، به مطالعه عمیق و روشمند منابع موجود در حوزه توسعه سیاسی و قومیت نیاز دارد تا با کشف پیشران‌های توسعه سیاسی در مطالعه‌های انجام‌شده و نیز فراترکیب یافته آنها، نظم کلی حاکم بر آنها استخراج شود؛ پس از آن، با شناسایی فهم مشترک نویسندگان و پژوهشگران سیاسی در این زمینه، می‌توان پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران را به‌منزله بسترساز تمدن نوین اسلامی شناسایی کرد.

مسئله اساسی پژوهش پیش‌رو این است که «فراترکیب پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران به‌عنوان بسترساز تمدن نوین اسلامی کدام است؟». بنابراین کوشش بر این است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

- پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران کدام‌اند؟
- فراترکیب پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران به‌عنوان بسترساز تمدن نوین اسلامی کدام است؟
- کارکرد فراترکیب پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی به‌عنوان بسترساز تمدن نوین اسلامی چیست؟

۱. پیشینه تحقیق

در زمینه این موضوع مطالعه‌هایی انجام شده است که در ادامه می‌آید: بابائی (۱۳۹۹) در کتاب تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی به ارائه مباحثی جامع از چیستی، ماهیت و عناصر تمدن از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان پرداخته و شاخص‌های تمدن در اندیشه اسلامی و مدرن را شناسایی و بررسی کرده است. بحث

محوری این کتاب درباره فرایند تمدنی و نیز ارائه راهکارهای توسعه وحدت در عین کثرت در تمدن اسلامی است. نویسنده در این کتاب، نکته محوری تمدن اسلامی را در اسلامی شدن یا اسلامی و توحیدی بودن تمدن در وضعیت چندگانگی فرهنگی و چندگانگی دینی و مذهبی می‌داند که فرایندی بسیار پیچیده و سخت را می‌طلبد. از نظر نویسنده، تکثر اسلامی با تکثر مدرن و نسبیّت‌گرا بسیار متفاوت است و جامع و شامل بودن حقیقت توحیدی مناسب‌ترین زمینه برای تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌کند.

ایان اوفلین^۱ (۱۴۰۱) در کتاب دمکراسی گفت‌وگویی در جوامع چندقومیتی، که به‌وسیله رحمن قهرمانپور ترجمه شده است، با پذیرفتن وجود دغدغه‌های متنوع در این نوع جوامع، بر لزوم طراحی نهادهایی برای تقسیم قدرت و تسهیل گفت‌وگو و تقویت اعتماد عمومی در جامعه‌های چندپاره تأکید می‌کند. از نظر نویسنده، دمکراسی گفت‌وگویی بر ضرورت ایجاد حس قدرتمند هویت ملی مشترک تأکید دارد که در آن هر کسی بتواند شهروند برابر باشد. دغدغه اصلی این نوع دمکراسی، توانمند کردن شهروندان در شکل دادن به رابطه خود با دستگاه حکومتی است و اینکه آنها در تعامل سیاسی با یکدیگر آزادی عمل داشته باشند. وظیفه حکومت حفاظت از گروه‌های قومی است؛ ولی شهروندان نیز باید احساس کنند که صدای منافع غیرقومی آنها به‌آسانی شنیده می‌شود.

صالحی امیری (۱۳۹۱) در کتاب انسجام ملی و تنوع فرهنگی با بررسی نظریه‌های انسجام مانند وحدت در کثرت، و سیاست‌های فرهنگی مانند همگون‌سازی و هماهنگ‌سازی، به مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی انسجام پرداخته است. نویسنده در فصل چهارم این اثر، فرصت‌های ناشی از تنوع فرهنگی را بررسی کرده و در پایان نیز راهکارهایی برای نگاهداشت انسجام بین خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ ملی آورده است.

محمدی ایروانلو و همکاران (۱۳۹۹) بر این باورند که جهانی شدن با افزایش آگاهی‌های اقوام به حقوق قانونی خود در همه ابعاد آن، سطح مطالبه‌گری آنها از حاکمیت را به شدت

1. Ian O'Flynn.

بالا برده است؛ از این رو، اتخاذ سیاست‌ها و لحاظ الزامات و مقتضیات متناسب با تنوع قومیتی ایران، می‌تواند کشور را در قبال کشمکش‌ها و تنش‌های قومی ناشی از جهانی شدن، مصونیت بخشد.

ژانارستانوا و نچایوا^۱ (۲۰۱۵) به بررسی برخی از اصول و روش‌های ویژه نمایندگی سیاسی گروه‌های قومی ای می‌پردازند که در کشورهای گوناگون به کار برده می‌شود. آنها بر این باورند که درباره هر کشوری باید ویژگی‌هایی مانند دولت، ذهنیت مردمان آن، تاریخ و عوامل دیگر در نظر گرفته شده و انواع خاصی از نظام‌های انتخاباتی، روش‌های تبعیض مثبت و نیز نهادهای قومی طراحی و ترسیم شود.

لوه^۲ (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی به بررسی ساخت دولت - ملت و پیگیری رشد اقتصادی در کشور مالزی پرداخته و خواهان نوعی تمرکززدایی و فدرالیسم در این کشور است که در بستر خود، گونه‌ای از ترویج «قانون مشترک برای منافع مشترک» را همراهی می‌کند. چنین ساختاری امکان پیگیری «خودحاکمیتی در موارد و مناطق خاص» را فراهم می‌کند و احزاب سیاسی نیز می‌توانند نقش مهمی در تسهیل وحدت در کثرت ایفا کنند. وی بر این باور است که علت تعارض در جوامع چندقومیتی و چندمذهبی، نوع نگرش فرد به تنوع است. نسبت این تحقیق با پژوهش پیش‌رو را می‌توان در مطالعه و سنجش امکان‌پذیری تغییر ساختاری در حکمرانی برای مناطق چندقومی ایران و در قالب فدرالیسم دانست. البته مطالعه روش‌های تحقق تحزب ملی‌گرایانه در مناطق چندقومی را نیز می‌توان به‌عنوان گام مهمی در توسعه سیاسی این‌گونه مناطق و تسهیل وحدت در کثرت ارزیابی کرد.

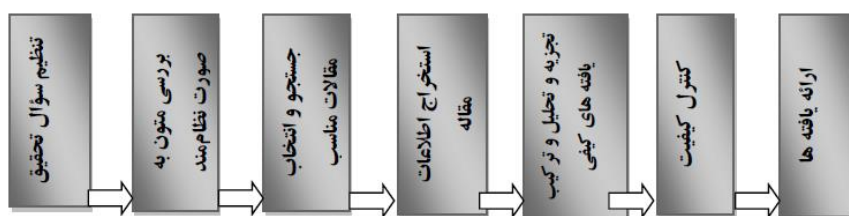
۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش‌رو از نوع پژوهش‌های اکتشافی است و پژوهشگران می‌کوشند تا با بهره‌گیری از روش فراترکیب، مقوله‌ها (ابعاد)، مفاهیم (مؤلفه‌ها) و کدهای (شاخص‌ها) بررسی شده در توسعه سیاسی و قومیت را با مرور نظام‌مند مباحث نظری استخراج کنند. فراترکیب نوعی

1. Zhanarstanova and Nechayeva.

2. Loh.

مطالعه کیفی است که نتایج استخراج شده از دیگر مطالعه‌های کیفی با موضوع همانند و مرتبط با پرسش پژوهش را به منظور دستیابی به چهارچوب جامعی برای دربر گرفتن همه ابعاد مسئله، بررسی می‌کند. در فراترکیب نیاز است که پژوهشگر بازنگری دقیق و عمیقی انجام دهد و یافته‌های پژوهش‌های کیفی مرتبط را ترکیب کند. استفاده از فراترکیب مانند استفاده از نگرش نظام‌مند، نتیجه‌ای به دست می‌دهد که بزرگ‌تر از مجموع بخش‌هاست. به منظور تحقق این هدف، از روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)، استفاده شد که خلاصه مراحل آن در شکل نشان داده شده است.



شکل ۱: گام‌های فراترکیب
(منبع: یافته‌های پژوهش)

گام نخست: تنظیم پرسش پژوهش

پرسش پژوهش این است که فراترکیب پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران به‌عنوان بستر ساز تمدن نوین اسلامی کدام است؟

گام دوم: مرور ادبیات به شکل نظام‌مند

در این پژوهش، با توجه به هدف پژوهشگر مبنی بر بررسی مطالعه‌های گذشته، از روش جست‌وجوی فراگیر در سایت‌ها و مجله‌ها و پایگاه‌های داده‌ها برای جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شد. با توجه به روش فراترکیب، پژوهشگران با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط نمایه شده در پایگاه‌های استنادی علوم ایران، ایران مدکس (iranmedex)، پایگاه مجلات تخصصی نور (Noormag)، پایگاه علمی جهاد دانشگاهی (SID)، بانک اطلاعات نشریات ایران (Magiran)، پایگاه جامع علوم انسانی و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (irandoc)، بانک اطلاعاتی پایان‌نامه‌های علوم پزشکی کشور، با کمک موتور

جست‌وجوگر semantic scholar همه مقاله‌هایی که به‌گونه‌ای به بررسی قومیت پرداخته‌اند را گردآوری کردند.

گام سوم: جست‌وجو و گزینش مقاله‌های مناسب

در این فراترکیب، از مقاله‌ها و پژوهش‌ها براساس پروتکل Prisma، استفاده شده است که در شکل ۱ فرایند آن تشریح شده است. معیارهای پروتکل این اثر عبارت‌اند از: ثبت در پایگاه‌های علمی معتبر، ذکر عوامل مؤثر و پیامدها در حوزه قومیت و توسعه سیاسی. در پایان، باتوجه‌به موضوع، چکیده، پرسش، هدف و زمینه ارزیابی، ۳۵۶ پژوهش اولیه برای بررسی عمیق انتخاب شدند.



شکل ۲: فرایند انتخاب مطالعات براساس چک‌لیست PRISMA

گام چهارم: استخراج اطلاعات مقالات

پژوهشگران با مطالعه چندباره و پیوسته مقاله‌های برگزیده و نهایی در پژوهش پیش‌رو، ۴۸ شاخص را در محور توسعه سیاسی و قومیت شناسایی کردند و سپس کدهای استخراج‌شده را در قالب جدولی در اختیار خبرگان قرار دادند. سرانجام، پس از دریافت دیدگاه‌های خبرگان، کدهای نهایی را فهرست و در نرم‌افزار maxqda تحلیل کرده‌اند.

گام پنجم: تجزیه و تحلیل و تلفیق یافته‌های کیفی

در تجزیه و تحلیل موضوعی روی ۶۶ پژوهش نهایی برگزیده، مقوله توسعه سیاسی و قومیت در شش مؤلفه دسته‌بندی شد که با احصای ۴۸ شاخص در مؤلفه‌های شش‌گانه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و تاریخی، ابعاد اصلی مهم در چهارچوب ارزیابی مطالعات پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

گام ششم: کنترل کیفیت

پژوهشگران در گام ششم برای ارزیابی کیفیت، از جدول کسب استفاده کردند. آنها برای اطمینان‌یابی از حفظ کیفیت در مطالعه خود نیز، به گام‌های پیش باز می‌گردند تا از انجام درست آنها اطمینان یابند. در این پژوهش، برای کنترل مفاهیم استخراجی، از مقایسه دیدگاه‌های پژوهشگر با شخص خبره دیگر نیز استفاده شده است.

گام هفتم: ارائه و تحلیل یافته‌ها

۳. مفهوم‌شناسی

توسعه سیاسی: توسعه سیاسی تلاشی برای تغییر همه‌جانبه اجزای جامعه است و به‌عنوان فرایندی تمدنی سنجیده و برنامه‌ریزی شده تلقی می‌شود که هدف آن ایجاد دگرگونی در چهارچوب‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است. (Azharuddin, 2023: 36) لوسین پای^۱ افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و نیز افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌داند (قوم، ۱۳۸۲: ۸۷). از دیدگاه ساموئل هانتینگتون،^۲ نظام سیاسی هر اندازه از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده می‌شود. از دیدگاه وی، معیارهای توسعه سیاسی عبارتند از: پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری، یگانگی و پراگماتیسم (همان: ۸۵).

۳-۱. قوم

ویکتور کوزلوف،^۳ قوم‌شناس معروف، معتقد است که هر قوم سازمان اجتماعی شکل‌یافته‌ای است که بر پهنه سرزمین معینی قرار دارد و شامل مردمی است که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و... برقرار کرده‌اند و دارای زبان،

1. Lucian Pye.

2. Samuel P. Huntington.

3. Victor Kozlov.

ویژگی‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و سنت‌های مشترک هستند (ابوطالبی، ۱۳۷۸: ۱۳۱). در نگاه کلی، می‌توان گفت که شاخص‌های عمده قومی عبارت‌اند از: خودآگاهی قومی، زبان مادری و سرزمین نیاکان (شیخاوندی، ۱۳۶۹: ۲۷۶). در تعریف ساده، می‌توان قوم را شامل گروهی با سنت‌ها، علایق و ویژگی‌های فرهنگی مشترک و احساس هویتی متمایز از جامعه بزرگ‌تر دانست. البته باید یادآوری کرد که قوم‌گرایی پدیده‌ای همه‌جاگیر در میان اقوام ایرانی نیست و بسیاری از این گروه ایرانیان دارای گرایش میهن‌پرستانه و ملی ایران‌گرا بوده‌اند (احمدی، ۱۳۹۷: ۴).

۲-۳. قومیت

قومیت به منزله صفت به مثابه تعلق خاطر و دلبستگی به گروه قومی ویژه‌ای است که با شناسه‌های فرهنگی مانند زبان، مذهب، آداب و رسوم، پیشینه تاریخی و آیین مشترک و نیز مهم‌تر از همه، با آگاهی قومی و سیاسی شدن گروه‌های قومی شناخته می‌شود و محصول قرن بیستم است که بر آن ناسیونالیسم قومی^۱ نام نهاده‌اند (مقصودی، ۱۳۸۱: ۲۲۰).

۳-۳. تمدن

تمدن حاصل اشتراکات بخش معینی از جوامع بشری در عین تفاوت در بخش‌های دیگر است. تمدن در ذات خود ماهیتی ترکیبی دارد و بر عناصر مرکزی و وحدت‌بخش جوامع تأکید می‌ورزد. عناصر فرهنگی و اخلاقی بخش مهم و مرکزی هر تمدنی شمرده می‌شود که میراث باارزش انسان‌های فرهیخته و تربیت‌یافته است. این عناصر به صورت آگاهانه شکل گرفته‌اند و اجتماع انسانی را به جامعه انسانی تبدیل کرده و به آنها روح تمدنی یگانه‌ای بخشیده‌اند. علامه محمدتقی جعفری تمدن را «تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه ابعاد مثبت» می‌داند (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۵: ۱۶۱). منظور از تمدن در اندیشه مقام معظم رهبری نیز «زندگی توأم با نظم عملی، با تجربیات زندگی خوب و استفاده از پیشرفت‌های زندگی» است (بیانات در جمع جوانان در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

1. Ethnic Nationalism.

۳-۴. تمدن نوین اسلامی

مقام معظم رهبری تمدن نوین اسلامی را پیشرفت همه‌جانبه‌ای می‌داند که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها، بعد معنوی و روحی آنان را به سوی کمال و سعادت راهنمایی می‌کند (دیدار با جوانان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳). این تمدن دارای دو بخش ابزاری و حقیقی است که بخش ابزاری آن شامل پیشرفت‌های موجود در زمسنه علم، صنعت، اختراع، سیاسی، اقتدار دفاعی و نظامی و اعتبار بین‌المللی است و بخش حقیقی آن را سبک زندگی تشکیل می‌دهد که در متن زندگی انسان‌هاست و مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس و... را دربر می‌گیرد.

۴. ارتباط مبانی توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران و تمدن نوین اسلامی

تمدن‌ها همواره در مسیر حرکت یا اعتلای خود، با آسیب‌ها و چالش‌های متنوعی روبه‌رو می‌شوند؛ ولی باید اذعان داشت که «پایه اصلی تمدن نوین اسلامی نه بر صنعت، فناوری و علم، بلکه مبتنی بر اعتلای فرهنگ، بینش، معرفت و کمال فکری انسان است» (هدایت فسندوز و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۳۱). انسان امروزین برای ارتقای کیفیت زندگی سیاسی خود نیازمند دگرپذیری و مدارای سیاسی در قالب مشارکت و رقابت است که دو عنصر مهم توسعه سیاسی را تشکیل می‌دهند. با مطالعه مبانی و شاخص‌های توسعه سیاسی در جوامع چندقومی و نیز پیشران‌های توسعه سیاسی برای ساخت تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری می‌توان جنبه‌های گوناگون از رابطه بین مبانی توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران و تمدن نوین اسلامی را مورد مطالعه قرار داد که در هر کدام آنها می‌توان ارتباط و وابستگی متقابل این عناصر را شناسایی کرد:

۴-۱. تقویت مدارا و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

تمدن نوین اسلامی موجب ایجاد رویکرد فراقومی، فراملی و فرانژادی و سبب وحدت جهان اسلام و ایجاد فضای تعامل میان قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون خواهد شد (عرفان و بیات، ۱۳۹۴، ج ۸: ۱۱۱). توسعه سیاسی در چنین فضایی می‌تواند به ترویج فرهنگ مدارا و هم‌زیستی در بین اقوام گوناگون ایرانی کمک کند. این امر به تقویت اصول تمدن نوین

اسلامی، که بر پایه عدالت، انصاف و احترام به تنوع فرهنگی بنا شده‌اند، منجر می‌شود.

۲-۴. ایجاد نهادهای سیاسی فراگیر

یکی از شاخصه‌های مهم توسعه سیاسی، نهادسازی و ایجاد نهادهای دموکراتیک است که بتوانند مشارکت حقیقی مردم را در تصمیم‌گیری‌ها و ایفای نقش‌های قاطع در محیط سیاسی اجتماعی تضمین کنند (ایوبی، ۱۳۷۷: ۵۶). در مناطق چندقومی، توسعه سیاسی با ایجاد نهادهای سیاسی مردم‌پایه، که نمایندگی عادلانه‌ای از همه گروه‌های قومی داشته باشند، به تقویت حس تعلق و مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاسی کمک می‌کند. این شمولیت به تحقق ارزش‌های اسلامی و ملی، که ملاک برتری افراد را بر برتری تقوا و ارجحیت حقوق شهروندی بنا نهاده‌اند، کمک می‌کند.

۳-۴. توزیع عادلانه منابع

توزیع عادلانه منابع و امکانات در جامعه‌ای مانند ایران، یکی از آموزه‌های اساسی مکتب اقتصادی اسلام و از پیش شرط‌های مهم توسعه سیاسی در مناطق چندقومی است. حرکت به سوی اقتصاد اسلامی زمینه را برای کاهش تنش‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از احساس محرومیت نسبی افراد قومی فراهم می‌کند و به تحقق اصول مشارکت و عدالت در تمدن نوین اسلامی یاری می‌رساند. به باور معظم‌له دو پایه اقتصاد اسلامی عبارت‌اند از: «افزایش ثروت ملی» که کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد و اهداف والای خود را در سطح بین‌المللی پیش ببرد؛ پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در جامعه اسلامی» است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳/۱۱/۱۳۸۵). طرح اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب و تحمل آن به وسیله مردم ایران یکی از پارامترهای گسترش تمدن نوین اسلامی است.

۴-۴. حاکمیت قانون و احترام به حقوق اقوام و اقلیت‌ها

توسعه سیاسی رابطه تنگاتنگی با نهادینه شدن حق برابر افراد در مقابل قانون اساسی دارد و در مناطق چندقومی به رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها گذشته از تعلقات قومی و نژادی آنها کمک می‌کند. این امر ارتباط تنگاتنگی با اصول اسلامی دارد و به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پایدار منجر می‌شود.

۴-۵. حکمرانی خوب و اعتلای سطح شهروندی سیاسی

یکی از مبانی اساسی برای شناخت ویژگی‌های حکمرانی خوب، شاخص‌هایی است که به وسیله برنامه توسعه سازمان متحد مطرح شد و عبارت‌اند از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اجماع‌سازی، عدالت و انصاف، کارآیی و اثربخشی و پاسخگویی. حکمرانی خوب تضمین‌کننده کاهش فساد، احترام به نظر اقلیت‌ها و قشرهای آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری است. از عوامل مهم و مؤثر در حکمرانی خوب، اداره و تنظیم امور کشور و به‌کارگیری رابطه دولت - ملت براساس حق انتخاب مردم و نیز حاکمیت قانون و وجود دستگاه‌های قضایی مؤثر است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۰۹). حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کارکرد سازنده بین مؤلفه‌های اصلی جامعه سیاسی است تا مطلوب‌ترین ستانده‌ها عاید جامعه و شهروندان آن شود و با رضایت نسبی بخش‌های گوناگون جامعه همراه شود. از ویژگی‌های ذاتی نظام سیاسی در این الگو، حاکمیت قانون و پاسخگویی است که با ایجاد تفکیک قوا و توازن بین آنها تحقق عملی می‌یابد. بنابراین، نظام سیاسی مبتنی بر الگوی حکمرانی خوب، ثبات، توسعه و تعادل سیاسی را فراهم می‌آورد و با تعمیق مشارکت در عرصه سیاسی و اجتماعی، حاکمیت قانون و پاسخگویی را هم در سطح سازمانی و هم در سطح حکومتی موجب می‌شود.

توسعه سیاسی با احترام به اصل شهروندی و دگرپذیری، به افزایش آگاهی و آموزش سیاسی در میان اقوام گوناگون کمک می‌کند و موجب تقویت رابطه دولت - ملت می‌شود. این آگاهی به تقویت مشارکت فعال شهروندان در فرایندهای سیاسی و اجتماعی منجر می‌شود که از اصول اساسی نقش شهروندان در تمدن نوین اسلامی حمایت می‌کند.

۴-۶. حفظ وحدت و هویت اسلامی - ایرانی و احترام به تفاوت‌ها و تمایزهای قومی

یکی از اصول اساسی توسعه سیاسی در جوامع چندقومی مانند ایران، احترام به خرده‌فرهنگ‌های قومی با وجود وابستگی و تعلق به هویت کلان اسلامی - ایرانی است که به تقویت وحدت و گفت‌وگو و فراق ملی کمک می‌کند. این امر باعث می‌شود که اقوام گوناگون احساس کنند که بخشی از کل بزرگ‌تر هستند.

۴-۷. تحکیم پایداری و امنیت ملی

رقابت و مشارکت سیاسی سالم و مسالمت‌آمیز با رعایت قوانین از پیش تعیین شده باعث ایجاد مشروعیت برای حکومت، ایجاد یک پارچگی و انسجام ملی، مدیریت درگیری‌ها و بحران‌ها و نهادینه شدن قوانین دموکراسی در جامعه و همچنین گسترش مشارکت فعال شهروندان با وجود داشتن دیدگاه انتقادی به مسائل گوناگون جامعه می‌شود که نقش مهمی در تقویت امنیت ملی هر کشوری دارند (ربیعی سنگلجی، ۱۳۹۷: ۴). توسعه سیاسی با تکیه بر اصل شهروندی و دگرپذیری در مناطق چندقومی، در کاهش تنش‌ها و بحران‌ها مؤثر است و سطح امنیت و پایداری اجتماعی در جامعه را تقویت می‌کند. وجود امنیت پایدار در جامعه‌ای مانند ایران، یکی از لوازم مهم ترویج و تحکیم تمدن نوین اسلامی است.

در مجموع، توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران و تمدن نوین اسلامی به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و هریک می‌تواند به تقویت دیگری کمک کند. این تعاملات زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای پایدار، عادلانه و متنوع هستند که در آن، اصول اسلامی و انسانی به‌خوبی رعایت می‌شود. به نظر می‌رسد تقویت سطح توسعه‌یافتگی سیاسی در جامعه چندقومی به تعمیق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام، چندفرهنگ‌گرایی و دگرپذیری کمک می‌کند و نیازمندی‌های الگوسازی و بسترسازی برای تمدن نوین اسلامی را از میان برمی‌دارد.

۵. پیشران‌های توسعه سیاسی برای ساخت تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم

رهبری

با مطالعه و بررسی بیانات مقام معظم رهبری در سالیان اخیر، می‌توان مؤلفه‌های مرتبط با توسعه سیاسی و قومی را به‌عنوان بسترسازی تمدن نوین اسلامی شناسایی و ابعاد و شاخص‌های به‌دست‌آمده از آنها را در قالب جدول ارائه کرد که در ادامه بدان اشاره می‌شود:

جدول شماره ۱: مؤلفه‌ها، ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی برای ساخت تمدن نوین اسلامی
در اندیشه مقام معظم رهبری

مؤلفه	بعد	شاخص	
پیشران‌های توسعه سیاسی برای ساخت تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری	آزادی بیان	- آزادی بیان در عین نقد سالم و گفت‌وگوی آزاد	
	مردم‌سالاری	- مردم‌سالاری دینی - سیاست‌ورزی دین‌محورانه در ارکان مختلف اجرایی و مدیریتی کشور - اهمیت انتخابات و مراجعه به آرای عمومی در حکمرانی	
	سیاسی	- حکمرانی اسلامی - باور به اسلام سیاسی جامعه‌ساز و تمدن‌ساز - نگاه کلان به مسائل، ترویج عدالت اجتماعی، بصیرت، برخورداری از قدرت تحلیل سیاسی، سبک زندگی - اسلام سیاسی عزت‌خواه و دولت‌ساز - نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور بر مبنای اسلام	
	استقلال‌طلبی	اصل استقلال، عزت و رفاه	
	اجتماعی	- احترام به حقوق بشر و اصالت‌های بشری - اصل جذب رضایت و حمایت مردم - عدالت اجتماعی در عین پیشرفت مادی همه‌جانبه در علم و تکنولوژی - تعمیق سرمایه اجتماعی	
	تعاون	- فرهنگ تعاون و همکاری افراد در محیط اقتدار سیاسی	
	توجه به علم	- تربیت نسل انقلابی و نخبه باسواد منضبط خردمند و متدین - تربیت نسل جدید کارآمد و مقتدر در آموزش و پرورش	
	تاریخی	- سابقه تاریخی نظام‌سازی و حکمرانی در اسلام	
	فرهنگی	تمدن‌سازی	- دانشگاه تمدن‌ساز ضد تحجر - طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
		زندگی علوی	- زندگی علوی مسئولان سیاسی برای تمدن‌سازی
جغرافیایی	جوان‌گرایی	- استفاده از نسل جوان کشور به‌عنوان موتور محرک تحولات سیاسی و اجتماعی	
	یک‌پارچگی سرزمینی	- الگوسازی از ایران یک‌پارچه با وجود اقوام مختلف و متعدد	
اقتصادی	عدالت‌محوری	- اصل عدالت اقتصادی و پیشرفت همه‌جانبه در مبانی دینی	

*شاخص‌های این جدول برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری درباره تمدن نوین اسلامی است.^۱

چهارچوب ارزیابی نهایی پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران نیز پس از طی مراحل روش فراترکیب در مقوله توسعه سیاسی و قومیت با شش مؤلفه در ابعاد مختلف و ۴۸ کد شاخص شناسایی می‌شود. این مقوله شامل مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و تاریخی است.

جدول شماره ۲: مؤلفه‌ها، ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران

مؤلفه	بعد	شاخص
پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چند قومی ایران	آزادی بیان	پاسخگویی سیاسی
	نظام‌سازی و الگوسازی در ایران یک‌پارچه	استقلال و عزت ملی، کادرسازی از میان اقوام
	نهادگرایی سیاسی	بهره‌گیری از ظرفیت قانون اساسی / تأثیر تعلق به هویت ملی در گرایش به اصولگرایی / تأثیر تعلق به هویت قومی در گرایش به اصلاح‌طلبی / قوم‌مداری قانون‌گرایانه توان تبدیل قابلیت به ظرفیت توسعه سیاسی / توجه به قانون اساسی / تکثرگرایی با محوریت قانون اساسی
	تحزب	مشارکت حداکثری قومی، میزان بالای مشارکت سیاسی اقوام / ایجاد نهادهای سیاسی مدنی، توسعه فعالیت‌های حزبی
	تمرکززدایی در سیاست‌گذاری	بهره‌مندی از کارگزاران بومی / حکمرانی خوب محلی / تصمیم‌گیری سیاست‌گذاری راهبردی بومی
	مدارای سیاسی	الگوپذیری از نخبگان قومی مصلح، اجماع نخبگان سیاسی برای پیشرفت اساسی / لزوم ایجاد تعامل هم‌افزا در حوزه‌های مختلف اقوام
اجتماعی	همگرایی اقوام	ابراز همبستگی ملی با مشارکت فعال، رابطه مثبت هویت قومی با هویت ملی در ابعاد اجتماعی فرهنگی، سطح مناسب

۱. سایت اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، فیش‌های تمدن نوین اسلامی به آدرس:

همگرایی های قومی نسبت به سرمایه اجتماعی، تعاون و همکاری بین قومی			
تقویت روابط برون قومی	مدارای اسلامی		
اعمال تبعیض مثبت در میان اقوام در توزیع منابع	تبعیض مثبت		
نخبگان قومی ملی گرا و صلح طلب	نخبگان مصلح قومی		
مسئولیت پذیری، تغییر الگوی آموزش از سطوح پایه، مدیریت مصرف رسانه ای، تقویت مدیریت تنوع قومی با تکیه بر اسناد بالادستی	آموزش		
تثبیت نهادهای سیاسی اجتماعی ایجاد نظام اداری مدون	نهادمندی		
تشکیل دولت متجدد مرکزگرا در طول تاریخ، ناتوانی تاریخی در ملت سازی قوم گرایانه به صورت کامل، الگوی ناموفق خودگردانی محلی در استان های قومی	دولت سازی قومی ناموفق در طول تاریخ	تاریخی	
تأثیر همبستگی مذهبی در تلطیف فضای امنیتی، فرهنگ سیاسی دموکراتیک، تکیه بر هویت ملی، ارتباط مثبت هویت دینی و هویت قومی، رویکرد چند فرهنگ گرایی، احترام به ارزش های مشترک فرهنگی، استفاده از اشتراکات دینی و مذهبی	دگر پذیری و هم گرایی فرهنگی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی	فرهنگی	
تعلق اقوام به هویت ایرانی، توجه به بسترهای تقویت هویت ایرانی، احترام به ارزش های مشترک تاریخی و فرهنگی	تعلق به هویت ایرانی تاریخی		
گسترش مراودات سیاسی بین شهرهای مرزی کشورهای همسایه	همکاری های منطقه ای	جغرافیایی	
مدیریت انصاف و عدالت در توزیع منابع	عدالت محوری در توزیع منابع اقتصادی		
تغییر نقش اولیه نظامی و امنیتی شهرهای مرزی به کارکرد تجاری خدماتی	تسهیم عادلانه فرصت ها	اقتصادی	
یک پارچه سازی مبادلات خارجی، بستر مناسب شهرهای مرزی برای صادرات محصولات تولیدی، همکاری های اقتصادی بین استانی در سطح درون مرزی و برون مرزی	گسترش بسترهای رشد اقتصادی		

۶. فراترکیب پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران و در نظام فکری مقام

معظم رهبری

با تحلیل و بررسی شاخص‌های چهل‌وهشت‌گانه توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران در مؤلفه‌های شش‌گانه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و تاریخی در نوزده بعد، که شامل آزادی بیان، نظام‌سازی و الگوسازی در ایران یک‌پارچه، نهادگرایی سیاسی، تحزب، تمرکززدایی در سیاست‌گذاری، مدارای سیاسی، همگرایی اقوام، مدارای اسلامی، تبعیض مثبت، نخبگان مصلح قومی، آموزش، نهادمندی، دولت‌سازی قومی ناموفق در طول تاریخ، دگرپذیری و همگرایی فرهنگی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی، تعلق به هویت ایرانی تاریخی، همکاری‌های منطقه‌ای، عدالت محوری در توزیع منابع اقتصادی، تسهیم عادلانه فرصت‌ها، گسترش بسترهای رشد اقتصادی، می‌توان تعداد هشت شاخص کلان را شناسایی کرد که عبارت‌اند از: دگرپذیری فرهنگی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی، همگرایی قومی با تقویت مدارای اجتماعی، عدالت توزیعی و روابط تجاری بین‌قومی، احترام به حقوق اقوام بر محور قانون اساسی، تحزب توسعه‌محور، بهره‌گیری از نخبگان، همگرایی منطقه‌ای، تجربه تاریخی زیست هم‌دلانه.

همچنین با مطالعه و بررسی بیانات مقام معظم رهبری در سالیان اخیر در مؤلفه‌های شش‌گانه نیز شاخص‌های بیست‌وپنج‌گانه مرتبط با توسعه سیاسی و قومی در زمینه ساخت تمدن نوین اسلامی در سیزده بعد شامل آزادی بیان، مردم‌سالاری، نظام‌سازی، استقلال‌طلبی، عدالت محوری در توزیع ارزش‌ها، تعاون، توجه به علم، نظام‌سازی، تمدن‌سازی، زندگی علوی، جوان‌گرایی، یک‌پارچگی سرزمینی، عدالت محوری، شناسایی شد.

نتیجه فراترکیب شاخص‌های به‌دست‌آمده را می‌توان در «مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی» به‌عنوان بهترین پیشران مفهومی برگرفته از فراترکیب مؤلفه‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران ارائه کرد. مؤلفه‌ها و پیشران‌های یادشده به تفکیک زمینه‌شناسایی آنها و نیز فراترکیب برگرفته از آن در این جدول به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۴: فراترکیب پیشبران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران

پیشبران	فراترکیب پیشبران‌های توسعه سیاسی		مؤلفه
مدار، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی	الگوسازی از ایران یک پارچه با پذیرش تنوع قومی و تقویت تحزب توسعه‌محور	در مناطق چندقومی ایران	سیاسی
	آزادی بیان و مردم‌سالاری دینی	در اندیشه مقام معظم رهبری	
	همگرایی و زیست هم‌دلانه قومی	در مناطق چندقومی ایران	اجتماعی
	مدارای سیاسی اجتماعی	در اندیشه مقام معظم رهبری	
	عدالت‌محوری در توزیع ارزش‌ها	در مناطق چندقومی ایران	تاریخی
	دولت‌سازی قومی ناموفق در طول تاریخ	در اندیشه مقام معظم رهبری	
	تجربه نظام‌سازی در ایران	در مناطق چندقومی ایران	فرهنگی
	دگرپذیری فرهنگی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی	در اندیشه مقام معظم رهبری	
	تمدن‌سازی و زیست علوی هم‌دلانه	در مناطق چندقومی ایران	جغرافیایی
	همکاری‌های منطقه‌ای	در اندیشه مقام معظم رهبری	
	یک‌پارچگی سرزمینی	در مناطق چندقومی ایران	اقتصادی
	توزیع عادلانه فرصت‌ها و گسترش بسترهای رشد اقتصادی در مناطق چندقومی	در اندیشه مقام معظم رهبری	
	عدالت‌محوری	در اندیشه مقام معظم رهبری	

فراترکیب پیشبران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران و در نظام فکری مقام معظم رهبری به‌عنوان بستر ساز تمدن نوین اسلامی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۷. کارکرد فراترکیب پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی به‌عنوان بسترساز

تمدن نوین اسلامی

به نظر می‌رسد کاربست فراترکیب «مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی» افزون بر اینکه بازدارنده‌های توسعه سیاسی در جوامع چندقومی را تعدیل می‌کند، موجب تقویت مؤلفه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و تاریخی، بسترهای موجود را به‌منظور تقویت توسعه سیاسی در این‌گونه مناطق می‌شود. احیای چنین بستری برای برای شکوفایی و بالندگی تمدن نوین اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

فراترکیب این پیشران‌ها در بستر توسعه سیاسی با تقویت آزادی بیان معقول، تحکیم پایه‌های مردم‌سالاری دینی، تعمیق بصیرت سیاسی و احترام به حقوق سیاسی برابر اقوام در چهارچوب قانون اساسی زمینه را برای افزایش مدارای سیاسی بین اقوام ساکن در سرزمینی یگانه و در نتیجه، تقویت حکمرانی مطلوب اسلامی تلطیف می‌کند. تأکید بر اصل استقلال و عزت ملی همراه با احترام به تفاوت‌های ظاهری هر یک از اقوام موجود در قالب سرزمین ایران، مهم‌ترین پیشران در الگوسازی ایران در تمدن نوین اسلامی است. در تمدن نوین اسلامی، آموزه‌های دین اسلام به‌عنوان ریسمانی مستحکم با شاخه‌های متنوع قومی و فرهنگی، هیچ‌یک از اقوام و نژادها را برتر از دیگری نمی‌داند و بر احترام مساوی و متقابل به هویت‌های قومی تأکید دارند. البته اتخاذ رویکردهایی مانند وحدت در کثرت و نیز احترام به چندفرهنگ‌گرایی همراه با احترام به ارزش‌های مشترک تاریخی و فرهنگی ملی فراقومی، نقش مهمی در تعمیق توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران ایفا کنند. چنین رویکردی افزون بر کاهش سطح واگرایی‌های قومی و چندپارگی‌های متراکم موجود، به تقویت همگرایی سیاسی اقوام گوناگون در سرزمین یگانه و ارتقای وحدت ملی کمک می‌کند که این امر یکی از الزامات بسترسازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی است.

پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران در مؤلفه سیاسی با تأکید بر نهادگرایی سیاسی و مدنی، گسترش فعالیت‌های حزبی و تمرکززدایی در سیاست‌گذاری، بر

لزوم احترام به دو عنصر رقابت و مشارکت تأکید داشته و میزان بالای مشارکت در روندهای سیاسی را تابعی از تعلق اقوام ساکن در ایران به هویت ملی و ایرانی خود برمی‌شمارند. الگوسازی از ایران یک پارچه با برخورداری از اقوام گوناگون مانند رنگین‌کمانی منسجم با رنگ‌های متعدد، می‌تواند در زمینه بهبود مدیریت سیاسی مناطق چندقومی کمک کرده و زمینه الگوسازی برای تمدن نوین اسلامی را تقویت کند. چنین الگویی با ترویج عدالت اجتماعی و با باور به جامعه‌سازی و تمدن‌سازی عدالت‌محور، در پی برقراری جامعه‌ای است که مدیریت آن بر مبنای مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با احترام به هویت اسلامی و ایرانی بنا شده است.

مهم‌ترین شاخصه فراترکیب مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی در مؤلفه فرهنگی، دگرپذیری فرهنگی با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی است که ظرفیت پذیرش متقابل افراد گوناگون در واحد سرزمینی مشخص مانند ایران را ارتقا می‌دهد. طبق آموزه‌های دین مبین اسلام، ملاک برتری افراد بر یکدیگر، میزان برخورداری آنها از تقوای الهی است و فرهنگ‌ها، زبان‌ها و قومیت‌ها بر دیگری برتری ندارند. این نگرش مهم‌ترین پارادایم مطرح در الگوی فرهنگی تمدن اسلامی است. در قالب همین دیدگاه است که مجموعه پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران، بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در تمدن ایرانی - اسلامی را به‌عنوان مهم‌ترین عنصر پیشگام در رسیدن به پیشرفت و توسعه سیاسی معرفی می‌کنند. اصلی‌ترین کارویژه چنین ظرفیتی، گسترش فرهنگ تعاون و همکاری در جامعه چندقومی ایران و در قالب اصل اتحاد برای گام گذاشتن در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی است.

به بیانی دیگر، مؤلفه‌های فرهنگی بر این نکته تأکید دارند که تعلق به هویت تاریخی ایرانی و نیز تقویت مؤلفه‌های اساسی موجود در آن هویت، بستر مناسبی برای ترویج نوعی فرهنگ سیاسی مداراجو، همگرایی طلب و فراقومی است؛ به گونه‌ای که هر کدام از اقوام ساکن در کشور ایران بتوانند با حفظ احترام به هویت قومی دیگری در درون هویت ملی و ایرانی، به ترویج ارزش‌های مشترک فرهنگی، تاریخی و مذهبی خود پردازند. چنین روندی

در تلطیف فضای امنیتی و نظامی مناطق چندقومی و تغییر از نگاه امنیتی به نگاه سیاسی در این مناطق گام مهمی در ترویج توسعه سیاسی نیز مؤثر خواهد بود که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین بسترهای لازم برای تقویت تمدن نوین اسلامی دانست.

مهم‌ترین پیشران توسعه سیاسی در مؤلفه اجتماعی، ایجاد فضایی مناسب برای همگرایی اقوام با یکدیگر همراه با رعایت و تقویت مدارای اسلامی است تا از این راه، پایه‌های اجتماعی بحث «مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی» در جامعه ایران نهادینه شود و با حرکت به سوی شاخص‌های مدینه فاضله علوی، زمینه را برای تشکیل جامعه اسلامی توسعه‌یافته فراهم کند. تشکیل چنین جامعه‌ای یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها و مراحل تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری است. برای تحقق چنین جامعه‌ای، افزون بر گسترش عدالت سیاسی و اجتماعی، به ترویج نوعی همکاری، همبستگی و سازماندهی جامعه مدنی برای وحدت نظری و عملی اقوام گوناگون نیاز است.

مطالعه پیشران‌های توسعه سیاسی در فراترکیب مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی بر این نکته دلالت دارند که تعمیق سطح همگرایی‌های قومی از نظر جامعه‌شناختی با تکیه بر اسناد بالادستی و حتی با کاربست تبعیض مثبت، موجب تقویت روابط برون‌قومی می‌شود و بسترهای توسعه سیاسی در این‌گونه مناطق را گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد کرد. چنین روندی افزون بر تعمیق سرمایه اجتماعی، به گسترش عدالت اجتماعی بر مبنای حقوق بشر اسلامی نیز خواهد انجامید. البته نباید از نظر دور داشت که در دنیای کنونی، که به عناوینی مانند جامعه شبکه‌ای، عصر گسترش اطلاعات و ارتباطات و عصر مجازی نام‌گذاری شده است، بخش مهمی از مدیریت سیاسی جوامع و مناطق چندقومی نیازمند مدیریت و کنترل عوامل تنش‌زا در روابط بین قومی است. لازمه چنین اقدامی نظارت و مدیریت فضای رسانه‌ای و استفاده از نخبگان قومی مصلح و ملی‌گرا در سطوح گوناگون سیاسی و اجتماعی حکمرانی است.

البته بخش مهمی از پیشران‌های توسعه سیاسی در مؤلفه اجتماعی نیز بر بحث

نهادمندی و آموزش تأکید دارند و مسئولیت‌پذیری و مشارکت فعال شهروندان در روندهای اجتماعی را بهترین بستر برای توسعه سیاسی در مناطق چندقومی برمی‌شمارند. در واقع دو عنصر نهادمندی و آموزش از سطوح پایین به بالا از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه سیاسی و تقویت همگرایی ملی در کنار احترام به هویت‌های قومی و محلی در نظر گرفته می‌شوند. پیشران‌های توسعه سیاسی مناطق چندقومی ایران در مؤلفه اقتصادی بیشتر بر اصل عدالت محوری در توزیع منابع و مقابله با احساس محرومیت نسبی اقوام تأکید دارند. همچنین تلاش برای تغییر پارادایم‌های ذهنی از منظر امنیتی به غیر امنیتی در مناطق مرزی و قوم‌نشین بخش مهمی از این پیشران‌ها را در بر می‌گیرد. کاربست عدالت توزیعی و تلاش برای تقویت روابط تجاری بین قومی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش واگرایی‌های سیاسی در مناطق چندقومی ایران است که با تأکید بر شاخص‌هایی مانند مدیریت انصاف و عدالت، و توزیع متوازن ارزش‌های اقتصادی در پیکره ساختارهای قومی قابل دستیابی است. در چنین شاخص‌هایی، تأکید بر این است که تسهیم عادلانه فرصت‌ها، بستر مناسبی را برای توسعه سیاسی در مناطق چندقومی فراهم می‌سازد و به تعمیق ارزش‌های سیاسی نظام حاکم در این‌گونه مناطق کمک می‌کند. افزون‌براین، با فراهم‌سازی زمینه‌ای برای الگوسازی مدیریت تنوع قومی در بستر تمدن نوین اسلامی به تعمیق الگوی مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی نیز کمک خواهد کرد.

فرا ترکیب پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران با عنوان «مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی»، بر بهره‌گیری حکومت از روندهای دموکراتیک حکمرانی و استفاده از ظرفیت‌های موجود در بطن قانون اساسی ایران تأکید دارند تا از این راه، زمینه لازم برای هم‌افزایی اقوام و نخبگان به منظور تعمیق توسعه سیاسی فراهم شود. لازمه چنین اقدامی، شفافیت و وسعت نظر سیاست‌گذاران در رویارویی با پدیده‌ها و مسائل قومی و فرصت‌آفرینی برای ایفای نقش هرچه بیشتر نخبگان قومی در روندهای سیاسی و اجرایی کشور است. چنین روندی به تحکیم سرمایه اجتماعی نظام سیاسی ایران در میان اقوام و نخبگان کمک خواهد کرد. چنین اقدامی افزون‌بر توجه به

تکثرگرایی عقلایی، به تعمیق حکمرانی مطلوب محلی، هم‌افزایی اقوام و نخبگان قومی و نیز تشویق بیشترین مشارکت در بزنگاه‌های مهم سیاسی مانند انتخابات نیز خواهد انجامید. البته تجربه تاریخی زیست‌هم‌دلانه اقوام ایرانی با حفظ ساختارهای قومی در عین احترام به نمادهای ملی و ایرانی نیز بهترین زمینه را برای تعمیق این روند و الگوسازی در تمدن نوین اسلامی فراهم می‌کند.

به نظر می‌رسد با توجه به تشریح مبانی، معیارها و ابعاد گوناگون کارکردی پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی برای بسترسازی تمدن نوین اسلامی با عنوان «مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی - ایرانی»، می‌توان کارویژه اصلی این فراترکیب را در «بصیرت‌افزایی سیاسی و حکمرانی مطلوب اسلامی با احترام به اصل وحدت در کثرت» بیان کرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش‌رو با هدف شناسایی و فراترکیب پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران به عنوان بسترساز تمدن نوین اسلامی انجام شد. برای رسیدن به این هدف، تعداد ۶۶ مقاله مرتبط و منتشرشده در نشریات معتبر علمی کشور با عناوینی مانند توسعه سیاسی و توسعه قومی با روش تحلیل محتوا پردازش، ارزیابی و تحلیل شد. در تحلیل فراترکیب، مقاله‌های مرتبط در پیشران توسعه سیاسی و با مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و تاریخی شاخص‌های مرتبط استخراج و در ابعاد گوناگون دسته‌بندی شد. نتایج فراترکیب نشان داد که توسعه سیاسی در این مناطق به وسیله مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی تبیین می‌شود.

با تحلیل و بررسی ابعاد و شاخص‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران تعداد هشت پیشران کلان شناسایی شد که عبارت‌اند از: دگرپذیری فرهنگی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی، همگرایی قومی با تقویت مدارای اجتماعی، عدالت توزیعی و روابط تجاری بین‌قومی، احترام به حقوق اقوام بر محور قانون اساسی، تحزب توسعه‌محور، بهره‌گیری از نخبگان، همگرایی منطقه‌ای، و تجربه تاریخی زیست‌هم‌دلانه. همچنین با مطالعه و بررسی

بیانات مقام معظم رهبری در سالیان اخیر نیز تعداد ۲۵ شاخص در سیزده بعد مرتبط با توسعه سیاسی و قومی در زمینه ساخت تمدن نوین اسلامی شناسایی شد. سپس تعداد ۲۵ شاخص به دست آمده از این ابعاد در مؤلفه‌های شش‌گانه یادشده دسته‌بندی شد. با بررسی شاخص‌های به دست آمده، فراترکیب «مدارا، عدالت و همگرایی سیاسی با تأکید بر هویت اسلامی ایرانی» به عنوان بهترین مدل مفهومی برگرفته از پیشران‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران به عنوان بستر ساز تمدن نوین اسلامی ارائه شد.

توسعه سیاسی مبتنی بر این فراترکیب، بر تقویت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام، احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت سیاسی گسترده تأکید دارد. این فرایند نه تنها باعث ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی نهفته در قانون اساسی و اسناد بالادستی می‌شود، بلکه کمک خواهد کرد تا بستر مناسبی برای بصیرت‌افزایی سیاسی و حکمرانی مطلوب اسلامی ایجاد شود. روشن است که تأکید بر همگرایی سیاسی، افزایش عدالت اجتماعی و سیاسی در میان اقوام گوناگون و همچنین ترویج فرهنگ مدارا و احترام به تنوع‌های فرهنگی از مهم‌ترین راهبردها برای توسعه سیاسی در مناطق چندقومی ایران به شمار می‌رود. این اقدامات می‌تواند به کاهش تنش‌های قومی، افزایش مشارکت سیاسی اقوام گوناگون، و تقویت هویت ملی اسلامی - ایرانی منجر شود. افزون‌براین، توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های اقتصادی میان اقوام و مناطق مختلف، به همراه سیاست‌های تشویقی برای مشارکت فعال آنها در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، می‌تواند از گسست‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کند و بستری برای تعامل سازنده بین قومیت‌ها فراهم آورد.

در پایان پژوهش نیز با تشریح ابعاد و شاخص‌های گوناگون کارکردی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در مناطق چندقومی، کارویژه اصلی این فراترکیب در «بصیرت‌افزایی سیاسی و حکمرانی مطلوب اسلامی با احترام به اصل وحدت در کثرت» خلاصه شد. واقعیت این است که به کارگیری گفتمانی عدالت‌محور، که در آن حقوق و منافع همه قشرها و اقوام جامعه به طور یکسان و عادلانه رعایت شود، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت نهادهای دموکراتیک و حکمرانی مطلوب در مناطق چندقومی و احترام به اصل وحدت در کثرت باشد. پیگیری

چنین راهبردهایی به تقویت انسجام و اتحاد ملی منجر می‌شود و بستری برای تحقق تمدن نوین اسلامی و شکل‌گیری جامعه‌ای پایدار و یک‌پارچه فراهم می‌آورد. واقعیت این است که آموزش‌های مبتنی بر ارزش‌های مشترک اسلامی و ایرانی، به همراه ترویج ارزش‌های انسانی مانند مدارا، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، و احترام به تفاوت‌ها، در ارتقای آگاهی عمومی از منافع جمعی و ملی مؤثر است.

پیشنهادها

۱. توسعه رسانه‌های محلی و ملی با رویکرد تقویت همگرایی و تعامل مثبت میان اقوام گوناگون، برای کاهش پیش‌داوری‌ها و تعصبات قومی و گسترش همبستگی ملی و گفت‌وگو و تبادل نظر میان گروه‌های قومی؛
۲. توجه ویژه و عادلانه به نظام مسائل، منافع معقول و نیازهای خاص اقوام در سیاست‌گذاری‌های ملی و محلی، به‌ویژه در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به منظور رفع تبعیض‌های تاریخی و احساس محرومیت نسبی؛
۳. اتخاذ رویکردی جامع و همه‌جانبه به‌وسیله سیاست‌گذاران و مسئولان برای استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اقوام برای توسعه پایدار و وحدت ملی برای دستیابی هرچه بیشتر جامعه به سوی همگرایی و توسعه سیاسی و اجتماعی پایدار و تحقق تمدن نوین اسلامی؛
۴. تقویت مکانیزم‌های حزبی به‌عنوان مهم‌ترین عنصر سازماندهی قاعده‌مند مشارکت و رقابت سیاسی در مناطق چندقومی و در پرتو اصل هشتم و نیز اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
۵. استفاده از رسانه‌های جمعی برای ترغیب و تقویت کنش‌ها و رقابت‌های سیاسی عقلانیت‌محور فراقومی در موسم‌های سیاسی و به‌ویژه انتخاباتی به‌وسیله رسانه‌های جمعی و محافل روشنفکری به‌ویژه در میان نخبگان سیاسی و اجتماعی اقوام گوناگون؛
۶. برابرسازی فرصت‌های مشارکت برابر نخبگان سیاسی اقوام گوناگون در روندهای حکومتی و رسیدن به منزلت‌های سیاسی بر مبنای اصل تسهیم قدرت در بستر قانون اساسی به‌عنوان میثاق ملی همگانی؛

۷. تعمیق فضای باز معقول سیاسی به منظور هم‌اندیشی و تضارب‌آرا در میان نخبگان، استادان و فرهیختگان قومی در زمینه تعمیق سرمایه اجتماعی نظام با سازماندهی سازمان‌های مردم‌نهاد.

۸. تعدیل نگاه امنیتی به بحث توسعه در ابعاد گوناگون سیاسی و اقتصادی آن در مناطق چندقومی مانند شمال‌غرب کشور و رسیدن به درجه‌ای از توسعه پایدار و متعادل و همگام با دیگر مناطق مرکزی ایران به منظور رفع محرومیت‌های اقتصادی تأثیرگذار بر رشد مسائل قومی.

کتابنامه

ابوبالبی، علی (۱۳۷۸). حقوق قومی اقلیت‌ها و همگرایی. مطالعات ملی، ۱ (۱)، ۱۲۹-۱۵۴. احمدی، حمید (۱۳۹۷). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت. تهران، نشر نی. اوفلین، ایان (۱۴۰۱). دموکراسی گفت‌وگویی در جوامع چندقومیتی. (ترجمه رحمن قهرمان‌پور). تهران، تیسرا.

ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷). نقد نظریه‌های غرب‌محور در توسعه سیاسی. مطالعات راهبردی، ۱ (۱)، ۴۱-۵۸.

بابایی، حبیب‌اله (۱۳۹۹). تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>

توسلی رکن‌آبادی، مجید، صالح‌زاده، سیروان (۱۳۹۳). مبانی نظری شهروندی چندفرهنگی در اندیشه‌های ویل کیملیکا. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۵ (۳۷)، ۳۳-۶۲.

ربیعی سنگلجی، محمدسعید (۱۳۹۷). بررسی اثرات توسعه سیاسی بر عملکرد امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران. در پنجمین همایش ملی مدیریت و علوم انسانی در ایران. دانشگاه تهران، تیرماه.

زمانی محبوب، حبیب (۱۴۰۱). مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۲ (۴)، ۱۵۳-۱۸۳.

شیخاوندی، داور (۱۳۶۹). زایش و خیزش ملت. تهران، نشر ققنوس.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۱). انسجام ملی و تنوع فرهنگی. تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

عرفان، امیرمحسن، بیات، علی (۱۳۹۴). آموزه امت اسلامی در قرآن و بازانديشي در قابليت‌های فرهنگي و تمدني آن. در دريدالله حاجي زاده و محمدحسين دانشکيا. مجموعه مقالات تاريخ و تمدن اسلامي. (۱۷۵-۱۵۰). قم: معارف.

قوام، عبدالعلي (۱۳۸۲). چالش‌های توسعه سياسي. تهران، قومس.

محمدي ايروانلو، علي، شاکري خوني، احسان، و ظهيري، صمد (۱۳۹۱). جهاني شدن و الزامات سياست‌های قومي در جمهوري اسلامي ايران. مطالعات سياسي، ۱۲ (۴۷)، ۸۱-۱۰۰.

مقصودي، مجتبي (۱۳۸۱). تحولات قومي در ايران؛ علل و زمينه‌ها. تهران، تمدن ايراني.

ناظمي اردکاني، محمد (۱۳۸۷). حکمراني خوب با رويکرد اسلامي. علوم انساني، ۱۷ (۷۶)، ۲۸-۱۰۷.

هدايت فسندوز، علي، بيک‌زاد، جعفر، رضاني، مجتبي، و نژاد ايراني، فرهاد (۱۴۰۱). واکاوي پيامدهای دانشگاه تمدن‌ساز. مطالعات بنيادين تمدن نوين اسلامي، ۵ (۲)، ۱۲۷-۱۵۴.

Azharuddin, Shaker M. Al-Kahtani & Syed; & Journal, Albaydha University. (2022). Political Development and Its Impact on Political Stability in the Republic of Yemen a Case Study on the Current Yemeni Political Crisis from the Point of View of Yemeni Politicians and Diplomacy. *Albaydha University Journal*, 4 (03), 214-230. <https://doi.org/10.56807/buj.v4i03.344>

Loh, Francis Kok Wah. (2017). Ethnic diversity and the nation state: from centralization in the age of nationalism to decentralization amidst globalization. *Inter-Asia Cultural Studies*, 18 (3), 414-432. <https://doi.org/10.1080/14649373.2017.1346165>

Tanasaldy, Taufiq. (2012). *Regime Change and Ethnic Politics in Indonesia: Dayak Politics of West Kalimantan*. Brill.

Zhanarstanova, M. B.; & Nechayeva, E. L. (2016). Contemporary Principles of Political Representation of Ethnic Groups. *Procedia Economics and Finance*, 39, 76-82. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(16\)30243-X](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(16)30243-X)